

A Survey on the Stand of Muslim Thinkers on Darwin's Theory of Evolution from 19th Century to the Contemporary Era

Mohammad Kazem Shah Abadi^{*}, Sarbaz Rouhollah Razavi^{**}

Seyyed Hasan Eslami Ardakani^{***}

Abstract

Darwin's theory of evolution caused a great challenge between science and religion firstly among the Christians and aftermath Muslims. As a result, Muslim thinkers were forced to express their approach on this controversial issue. In this article, an attempt has been made to collect the stands of Muslim thinkers from late 19th century to the contemporary era in order to observe the possible changes in their stands towards the Darwin's theory of evolution. There have been different approaches towards the theory throughout less than a couple of centuries that can be divided into three categories: • Those who completely rejected the theory of evolution finding it in a total contradiction with Islam • Those who have not accepted it absolutely having serious criticisms of it, meanwhile believing that there is way to accept the theory with some exceptions • Those who have fully accepted the theory and find no contradiction between the Darwin's theory and Islam Surveying these opinions and stands during the mentioned period shows that: Firstly, the debate on Darwin's theory is still going on and currently there is no absolute hegemony of one of the above mentioned stands on others. Secondly, as moving towards the contemporary era, more Muslim thinkers are preferring the second point of view, believing that there is a way to accept the theory with some exceptions of course.

Keywords: Darwin's Theory of Evolution, Evolution, Muslim Thinkers, Science and Religion, Islam and Religion.

* PHD Candidate of Religious studies, University of Religions and Denominations (corresponding author),
mkshahabadi@gmail.com

** PHD Candidate of Religious studies, University of Religions and Denominations, roohulla@gmail.com

*** Professor in Theology - philosophy of religion and new theological issues, full professor of the University of Religions and Denominations, Faculty of Religions, eslami@urd.ac.ir

Date received: 2023/04/15, Date of acceptance: 2023/08/31



جریان‌شناسی تاریخی دیدگاه اندیشمندان مسلمان درباره نظریه داروین

محمد کاظم شاه‌آبادی*

سرباز روح‌الله رضوی**، سیدحسن اسلامی اردکانی***

چکیده

با انتشار نظریه تکاملی داروین، ابتدا در دنیای مسیحیت سپس در جهان اسلام چالش بزرگی میان علم و دین به وجود آمد و در نتیجه اندیشمندان مسلمان ناگزیر از بیان رویکرد خود در این موضوع شدند. در این مقاله مهم‌ترین موضع‌گیری‌های علمای مسلمان از اولین رویکردها، که هم‌عصر داروین بوده‌اند، تا نظریات معاصران جمع‌آوری شده‌اند. به صورت کلی می‌توان این رویکردها را به سه دسته تقسیم کرد: الف. گروهی که نظریه تکامل را کاملاً رد کرده‌اند، ب. گروهی که هرچند آن را به صورت مطلق نپذیرفته‌اند و نقدهای جدی به آن دارند، راهی برای قبول آن باز کرده یا برای آن استثنا قائل شده‌اند، ج. گروهی که آن را کاملاً تأیید کرده‌اند. بررسی این آرا نشان می‌دهد که اولاً موضع و بحث بر سر نظریه داروین کماکان جریان داشته و جست‌وجوی علمی در این باره هنوز مسدود نشده و ثانیاً از میان سه دسته نظرهای فوق‌الذکر، اندیشمندان مسلمان بیش‌تری رجحان به سوی دیدگاه دوم داشته‌اند و تلاش کرده‌اند راهی برای قبول این نظریه در کنار باورمندی به نصوص و باورهای دینی باز بگذارند و البته از پذیرش قطعی این نظریه نیز اجتناب کنند.

کلیدواژه‌ها: نظریه تکامل داروین، فرگشت، اندیشمندان مسلمان، تعارض علم و دین، اسلام و غرب.

* دانشجوی دکتری دین‌پژوهی دانشگاه ادیان و مذاهب اسلامی (نویسنده مسئول)، mkshahabadi@gmail.com

** دانشجوی دکتری دین‌پژوهی دانشگاه ادیان و مذاهب اسلامی، roohulla@gmail.com

*** دکتری کلام گرایش فلسفه دین و مسائل جدید کلامی، استاد تمام دانشگاه ادیان و مذاهب، هیئت علمی گروه

دین‌پژوهی، eslami@urd.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۲۵، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۰۹



۱. مقدمه

با انتشار نظریه داروین در باب تحول انواع، باورمندان به ادیان آسمانی با چالشی بزرگ مواجه شدند؛ چراکه نظریه جدید که مورداستقبال فراوان هم قرار گرفته بود با برداشت‌های عمومی از کتب مقدس در تعارض بود. عالمان مسیحیت که به دلیل ظهور این نظریه در جغرافیای کشورهای مسیحی خطمقدم این چالش بودند به مقابله با این نظریه پرداختند. در این میان نیز برخی نویسندگان از این نظریه برای افکار ماتریالیستی خود بهره بردند و نظریه را حجتی بر عدم وجود خدا و بطلان ادیان بیان داشتند. این نظریه در برخی جوامع اسلامی نیز با سیل تبلیغات ضد دینی گسترش پیدا کرد و به تبع، علمای مسلمان نیز به فراخور حالشان موضع‌گیری‌هایی نسبت به آن ابراز داشتند.

از لحاظ موضع اتخاذشده می‌توان اندیشمندان مسلمان را به سه دسته کلی تقسیم‌بندی کرد:

گروه نخست نظریه تکامل را باصراحت و قاطعانه رد کرده‌اند؛

گروه دوم هرچند نظریه را به صورت مطلق نپذیرفته‌اند و نقدهای جدی به آن دارند، راهی

برای قبول آن باز گذاشته‌اند و یا استثنائاتی برای آن قائل شده‌اند؛

گروه سوم نیز نظریه را کاملاً موردقبول دانسته و آیات و روایات دینی را به نفع دیدگاه این

نظریه تفسیر و تأویل کرده‌اند.

از منظر تاریخی و زمانی نیز می‌توان ۱۶۳ سال گذشته از زمان طرح نظریه داروین را به سه

دوره کلی ذیل تقسیم‌بندی کرد:

از ۱۸۵۹ (زمان انتشار نظریه) تا دهه سوم قرن بیستم؛

از دهه سوم قرن بیستم (افزایش شواهد علمی به نفع نظریه داروین^۱) تا دوران پیش از

معاصر (نیمه دوم قرن بیستم)؛

دوران معاصر (از نیمه دوم قرن بیستم به بعد).

در این مقاله تلاش شده است تا نظریات اندیشمندان مسلمان از دوره زمانی نخستین

(هم‌زمان با داروین) تا زمان معاصر در دسته‌بندی مواضع سه‌گانه مطرح شوند و موردبررسی

قرار گیرند تا روشن شود که تغییرات مواضع و آرای اندیشمندان مسلمان در طی ۱۶۳ سال

گذشته چگونه بوده است. مقالات و کتب متعددی به بررسی نظریات اندیشمندان در موضوع

فرگشت پرداخته‌اند؛ هم‌چون کتاب *اسلام و تکامل* (شعیب احمد ملک)؛ کتاب *مواجهه با*

جریان‌شناسی تاریخی دیدگاه اندیشمندان ... (محمدکاظم شاه‌آبادی و دیگران) ۸۳

داروین (زیادات ۱۳۹۶) که به نخستین برخوردها با نظریه تکامل داروین در شرق مسیحی و اسلامی پرداخته است؛ کتاب موضع علم و دین در خلقت انسان (قراملکی ۱۳۷۳) که نویسنده به وجوه تعارض نظریه با دین مسیحیت و اسلام پرداخته و به طرح و بررسی شش دیدگاه اندیشمندان مسلمان درباره این تعارض پرداخته است؛ مقاله «پی آمدهای الهیاتی نظریه تکاملی و پاسخ‌های ایرانی» (اسلامی ۱۳۹۲) که در آن به بررسی سه دیدگاه میان دانشوران معاصر ایران و درس‌هایی که از این مواجهه می‌توان آموخت پرداخته است؛ مقاله «مواجهه فیلسوفانه مطهری با نظریه تکاملی داروینی» (اسلامی اردکانی ۱۳۹۵) که نویسنده به مقایسه و تفاوت رویکرد فیلسوفانه مطهری با سایر اندیشمندان توجه کرده است. آنچه این مقاله را از این آثار ممتاز می‌کند تحلیل جریان‌شناختی تاریخی و بیان سیر تطور این نظریه در بیان نظریات بیش از سی اندیشمند مسلمان است.

۲. اندیشمندان مسلمان مخالف نظریه تکامل

۱.۲ دوره نخست

۱.۱.۲ جمال‌الدین اسدآبادی (۱۸۳۸ م)

وی احتمالاً نخستین اندیشمند مسلمانی است که نظریه داروین را رد کرده است. او در کتاب رساله نیچریه خود، که بعدها شاگردش، محمد عبده، آن را به عربی تحت عنوان الرد علی الدهریین ترجمه کرد، به رد دیدگاه ماده‌گرایان و طبیعت‌باوران پرداخته است. اسدآبادی این کتاب را در سال ۱۸۸۱ و در زمانی نگاشت که در هندوستانی که مستعمره انگلستان بود زندگی می‌کرد و طبیعت‌گرایی توسط سیداحمد خان به هندوستان رسیده بود. از نظر وی، «طبیعی‌باوران در هر امتی که پیدا شدند، اخلاق آن امت را فاسد کرده و سبب زوال آن شده‌اند».^۲ به عقیده او، اتحاد امت اسلامی برای مقابله با خطر قدرت‌مند شدن غرب لازم است و قدرت غرب نیز به خاطر دانش ایشان است و کتاب نیچریه او بخشی از برنامه‌اش برای بیداری مسلمانان است و لذا به دفاع از دین و خداباوری پرداخته است. اسدآبادی به احتمال بسیار زیاد آثار داروین را نخوانده بود و به خاطر همین درک صحیحی از نظریه او نداشت. به همین جهت نقدهایش به داروین بی‌ربط است، ولی احساسات مذهبیون را برمی‌انگیزد. بعدها موضعش در قبال داروین نرم‌تر شد و نظریه تکامل را از مادی‌گری جدا کرد.^۳

۲.۱.۲ بلاغی (۱۸۶۵ م)

بلاغی رساله ۱۱۰ صفحه‌ای *انوار الیهدی* را در رد شبهات ناشی از رواج نظریه تکاملی داروین، که مستند الحاد جدید در جهان عرب قرار گرفته بود، نوشته است. وی از داروینسم فراتر رفته و به همه اشکالات مادی‌گری اشاره می‌کند و پاسخ آن را بیان می‌کند. کتاب در شکل پاسخ به نامه یکی از مرعوبان شبهات است که نویسنده ریشه آن را در نوشته‌های شبلی شمیل می‌یابد. کتاب اصل انواع داروین و بخنور را خوانده است و ظاهراً درک درستی از نظریه پیدا کرده است. بیان او فلسفی است و کم‌تر وارد مباحث علمی می‌شود.

۳.۱.۲ محمدعلی سنقری حائری (۱۸۷۶ م)

سنقری حائری صاحب کتاب *مرآت العقل* از علمای قرن نوزدهم نیز از کسانی بود که در رد مادی‌گری به تفصیل به نظریه تکامل پرداخته است، اما درک دقیقی از نظریه نداشته است و می‌گوید:

هیچ عاقلی را تأمل نیست در بطلان این خرافات و این حقیر در هنگام نوشتن رساله *مرآت العقل* در اصول دین مبین وقت را آشرف از آن دیدم از تعرض به مقاله اینان؛ ناگاه از طرف جمعی جداً اشاره شد که مختصری به ابطال این مقالات بنگارم.

روش خاص مؤلف آن است که پس از ارائه دلایل عقلی و فلسفی می‌کوشد برای ساده‌سازی موضوع و مثال‌آوردن برای درک بهتر مخاطب از حکایت و داستان استفاده کند. درباره انسان نیز چنین آورده است: «... و گویند انسان نیست، مگر حیوانی که به ناموس انتخاب طبیعی ترقی کرده تا بر میمون غالب شد و دارای ادراک شد و گرنه اصل او میمون بود».

۲.۲ اندیشمندان دوره دوم

۱.۲.۲ شیخ محمد سعید رمضان البوتی (۱۹۲۹ م) (Muhammad Said Ramadan Al-Buti)

نخستین نقد مرحوم شیخ رمضان البوتی به نقد علمی نظریه تکامل بازمی‌گردد و اظهار این مدعا که نظریه تکامل اساساً علمی نیست و تنها یک نظریه است. نقد دوم وی به این دیدگاه بازمی‌گردد که طبق نصوص دینی حضرت آدم خلق شده است و انسان اشرف مخلوقات خداوند است و تمامی خلقت در خدمت انسان قرار دارد. بدین ترتیب، انسان ریشه‌ای در فرایند تکاملی نداشته است و با انضمام غیرقطعی دانستن نظریه تکامل، وی منکر این نظریه می‌شود.^۴

۲.۲.۲ محمد شهاب‌الدین ندوی (۱۹۳۱ م) (Mohammad Shihabuddin Nadvi)

متکلم هندی مسلمان محمد شهاب‌الدین ندوی نیز از جمله منکران سرسخت نظریه تکامل است. وی مدعی شده بود که تکامل خرافه بوده و طرح توطئه‌ای صهیونیستی از سوی یهودیان است: هرچند که داروین یهودی نبود، اما نظریه تکامل وی در راستای اهداف یهودیان بود. برای همین یهودیان تبدیل به مبلغان اصلی این نظریه شدند. انتشار داروینیسم و مارکسیسم دارای اهمیت بالایی در طرح صهیونیست‌ها بود و به همین سبب در پروتکل‌های ایشان به‌عنوان بخشی اجباری قرار گرفت.

وی هم‌چنین در باب داستان خلقت حضرت آدم باور دارد که آدم یک شخصیت تاریخی بود و اگر قرار باشد داستان خلقت مربوط به وی نمادین تفسیر شود، دیگر چه مانعتی از تفسیر نمادین دیگر پیامبرانی وجود خواهد داشت که نامشان در آیات قرآن در کنار آدم آمده است.^۵

۳.۲ اندیشمندان معاصر

۱.۳.۲ سیدحسین نصر (۱۹۳۳ م)، عثمان بکر (۱۹۴۶ م) (Seyyed Hossein Nasr and Osman Bakar)

سیدحسین نصر ایرانی - آمریکایی و عثمان بکر اندیشمند مسلمان مالزیایی و از شاگردان سیدحسین نصر است. این دو اندیشمند هم در زمره خلقت‌گرایان تلقی شده‌اند و یکی از نقدهای بنیادین ایشان به نظریه تکامل وجودگونه از مکانیسم تصادفی در دل نظریه تکامل است، لکن نقد اساسی این دو اندیشمند به نظریه تکامل در سطح متافیزیکی است. سیدحسین نصر باور دارد که جوهر اشیا تغییر نمی‌کند و ثابت است. وی اظهار می‌دارد:

مثلث مثلث است و این‌گونه نیست که چیزی تکامل یافته و مثلث گردد. تازمانی که چیزی که مثلث نیست تبدیل به مثلث شود، نمی‌توان آن چیز را مثلث نامید. حتی اگر سه خط مجزا از هم داشته باشیم که یک میکرون از هم فاصله داشته باشند، نمی‌توان آن را مثلث نامید. تنها یک مثلث است که مثلث است. گونه‌های حیات هم هرکدام یک مرحله نهایی برای خودشان دارند.

عثمان بکر هم پارادایم حسین نصر را با بیان مفهوم تکامل عمودی در قبال تکامل افقی

این‌گونه تبیین می‌کند:

گونه‌های مختلف جانوری در مرحله‌ای قبل از مرحله دنیای مادی در حالت‌های غیرفضایی و با ماده‌ای خاص از قبل موجود بودند. این حالت‌ها در هر ظرفی که قابلیت وجودی آن‌ها را در دنیا مادی داشته باشد تنزل می‌یابند ... این پیدایش عمودی گونه‌های مختلف است که در تقابل با پیدایش افقی گونه‌ها از یک تک‌سلول منطبق بر زیست‌شناسی مدرن است.^۶

البته این دو نقدهای فلسفی هم به نظریه تکامل دارند که به طبیعت‌گرایی و تقلیل‌گرایی براساس نظریه تکامل مربوط می‌شود. سیدحسین نصر باور دارد که نظریه تطابق با باور به خداوند در تعارض است:

واضح است که انسان حیات پیچیده‌تری نسبت به میمون دارد، هرچند که برخی ویژگی‌های میمون را نیز داراست، اما این بدان معنا نیست که انسان از میمون تکامل یافته. تمام مشکل این‌جاست. اگر شما در گفتمان جهان‌شمولی رفتار کنید که طبق علم مدرن همه‌چیز مادی است، دیگر چاره‌ای نمی‌ماند به جز این که قبول کنیم گونه‌های برتر حیاط از گونه‌های پست‌تر تکامل یافته‌اند و آن‌ها را می‌توان به توده‌های مادی تقلیل داد. اما اگر در دنیایی زندگی کنی که قدرت خلاقیت خداوند را می‌پذیرد، ... دیگر ساده خواهد بود که قبول کنی قدرت خلاقیت خداوند می‌تواند همه‌چیز از جمله گونه‌های حیات را ایجاد کرده و به آن‌ها حیات ببخشد و انسان نیز روح عطا کند.^۷

مشاهده می‌شود که سیدحسین نصر باور به خداوند خالق را در تعارض با اندیشه تکامل می‌یابد. مع‌الوصف مشکل اصلی حسین نصر و شاگردان و دنبال‌کنندگان در مخالفت با نظریه تکامل به مبنای متافیزیکی و جهان‌بینی‌اش بازمی‌گردد و حتی اگر پاسخی به نقدهای فلسفی ارائه شده توسط وی داده شود و ثابت گردد که فی‌المثل باور به خداوند تعارضی با نظریه تکامل ندارد، اما نقد مبنایی و متافیزیکی و جهان‌بینی وی کماکان پابرجاست.

۲.۳.۲ مظفر اقبال (۱۹۵۴ م) (Muzaffar Iqbal)

مظفر اقبال نیز از جمله خالق‌گرایان بوده که نقد جدی و اساسی وی به نظریه تکامل به تقابلی است که وی میان دو مفهوم طراحی و تصادف مدنظرش دارد. وی اظهار می‌دارد:

یکی از ویژگی‌های بنیادین نظریات مختلف تکامل وابستگی آن‌ها به تصادف به‌عنوان یک ابزار تکامل در عوض طراحی است. اگر بتوان ثابت کرد که طراحی‌ای در ظهور گونه‌های مختلف (یا اعضای منفرد) وجود نداشته و هر گونه یا عضو از طریق تدریج تکامل می‌شوند،

جریان‌شناسی تاریخی دیدگاه اندیشمندان ... (محمد کاظم شاه‌آبادی و دیگران) ۸۷

آن‌طوری که داورین پیش‌نهاد می‌کند، در این صورت می‌توان نه تنها طراحی که طراح را نیز منکر شد. باین‌حال، اگر بتوان در نقطه‌ی مقابل نشان داد که امکانی برای تکامل تصادفی اندام و گونه‌ها به دلیل پیچیدگی آن‌ها وجود ندارد، نظریه‌ی تکامل شکست خواهد خورد.

وی هم‌چنین شدیداً منتقد کسانی است که تفسیرهایی تکاملی را از آیات قرآن ارائه می‌کنند و باوری به نمادین‌بودن داستان آدم و خلقت ندارند. مظفر اقبال این تفسیرها را در تعارض با باورهایی ۱۴۰۰ ساله‌ی مسلمین می‌داند.^۸

۳.۳.۲ محمد حسین طباطبایی (۱۹۰۴ م)

طباطبایی از برجسته‌ترین عالمان دینی شیعه به رد علمی تکامل می‌پردازد. وی تکامل را فرضیه‌ای می‌داند که دلیل خاصی بر اثبات آن بیان نشده است^۹ به همین دلیل معتقد است که میان دین و نظریه‌ی تکامل هیچ تعارضی وجود ندارد. وی بر این باور است که دلایل علمی اعم از شواهد فیزیولوژیکی، آناتومی تطبیقی، جنین‌شناسی حیوانات، فسیل‌شناسی، و ... از اثبات مدعایشان عاجز است.^{۱۰} طباطبایی با روش معرفت‌شناسی به رد قطعی نظریه‌ی تکامل و با روش تفسیری به تأیید قطعی نظریه‌ی ثبات انواع پرداخته است.

۴.۳.۲ ذاکر نایک (۱۹۶۵ م) (Zakir Naik)

نخستین چهره‌ی اسلامی مطرح در این بررسی ذاکر نایک است. ذاکر نایک شاگرد چهره‌ی نام‌آشنای دعوت اسلامی در دهه‌های گذشته، یعنی احمد دیدات، است که در نوع ارائه‌ی مباحث نیز شدیداً متأثر از متد و روش احمد دیدات است. وی اهل کشور هندوستان است و در دوران حضورش در این کشور شبکه‌ی تلویزیونی پیس تی وی را اداره می‌کرد. به دلیل مشکلات رخ داده برای وی، او در حال حاضر در کشور مالزی به سر می‌برد و در برنامه‌های علمی و مناظراتی و سخن‌رانی متعددی در سراسر دنیا شرکت می‌کند. ذاکر نایک به گروه خلقت‌گرایان تعلق داشته که مخالف نظریه‌ی تکامل است.

ذاکر نایک در سخن‌رانی‌های متعددی حتی به اعجاز علمی قرآن براساس علم روز استناد می‌کند، اما نگاهش به نظریه‌ی تکامل این است که این نظریه از جنس فکت‌ها و واقعیات علمی نیست. وی در دفاع از اعجاز علمی قرآن تأکید می‌کند آن‌چه به‌عنوان موارد متعددی از مکاشفات علمی و تطابقش با قرآن ارائه می‌کند حقایق یا fact علمی بوده و از این باب متقن

است. مثلاً وی این را که ماه از خود نوری ندارد و نورش بازتاب نور خورشید است یک فکت علمی جدید می‌داند که در قرآن مورد اشاره قرار گرفته است. وی از این رو مدعی است که تنها آن دسته از مسائل علمی را می‌پذیرد که فکت یا واقعیت ثابت شده علمی باشند نه ظنیات و تئوری‌های ثابت نشده. طبق آنچه گفته شد، ذاکر نایک در زمره آن دسته از علمای اسلامی قرار می‌گیرد که از اساس منکر نظریه علمی بودن تکامل است.^{۱۱}

۵.۳.۲ شیخ معبود Shaikh Mabud (۱۹۹۲ م)

شیخ معبود یکی دیگر از علمای اسلامی مخالف نظریه تکامل است که اختلاف نظر او بر محوریت نصوص قرآنی و مخالفت این آیات با نظریه تکامل می‌گردد. وی اظهار می‌دارد که قرآن مخالف تکامل، چه تکامل گیاهان، چه حیوانات، و چه انسان، است. در باب گیاهان شیخ معبود مدعی است که هیچ آیه‌ای از آیات قرآن ولو به شکل غیرمستقیم اشاره‌ای به تکامل گیاهان ندارد: «... حتی یک آیه در قرآن وجود ندارد که حتی به شکل غیرمستقیم به تکامل اشاره داشته باشد».

در مورد حیوانات نیز وی همین ادعا را داشته است و اظهار می‌دارد:

اگر ما تکامل سلسله حیوانات را بپذیریم ... باید انسان‌ها را نیز شامل خط حیوانات کنیم، اما اگر چنین کردیم، ما در تعارض با قرآن قرار خواهیم گرفت. ... هم چنین وقتی قرآن به صراحت نمی‌گوید که انسان یا گیاهان تکامل یافته‌اند، چرا باید تکامل را در مورد حیوانات قبول کنیم؟ محوریت نقد شیخ معبود نقد هرمنوتیکی بوده است و بر دایره برداشتی می‌گردد که ایشان از آیات قرآن دارند؛ برداشتی که کاملاً خلقت‌گرایانه بوده و به همین دلیل جایی برای پذیرش تکامل باقی نمی‌ماند.^{۱۲}

۳. اندیشمندی که نظریه داروین را نه کاملاً تأیید و نه کاملاً رد کرده‌اند

۱.۳ دوره نخست

۱.۱.۳ ابوالمجد محمد رضا نجفی اصفهانی (مسجد شاهی) (استثنای انسان / ۱۸۷۰ م)

اصفهانی عالم شیعی برجسته ایرانی الاصل ساکن عراق بود که در اوایل قرن بیستم کتابی در دو جلد به نام *نقد فلسفه داروین* منتشر کرد. او نسبت به هم‌تایان خود در دنیای اسلام و مسیحیت

اطلاع دقیق‌تری از نظریه تکامل داشته است؛ چراکه به منابع علمی روز دست‌رسی داشته و آن‌ها را مطالعه کرده است. وی به بحث رابطه بین علم و دین ورود کرده است و علم و دین را نافی یکدیگر نمی‌داند بلکه دین را مؤید علوم یقینی می‌پندارد و رابطه‌ای شبیه به تشابه بین آن‌ها برقرار می‌کند. البته آمادگی این را هم دارد که رابطه تمایز بین آن‌ها را برقرار کند؛ چراکه نظر هاکسلی مبتنی بر تمایز علم و دین را می‌پذیرد. او منتقدان داروین را، که نظریه او را فهم نکرده‌اند، به چالش می‌کشد و تکامل‌گرایان خداباوری هم‌چون لامارک، والاس، و هاکسلی را معرفی می‌کند. طبق عقیده اصفهانی نظریه تکامل به استثنای انسان قابل قبول است و آیات قرآن و تورات را با نظریه تکامل هم‌داستان می‌داند. برداشت او از قرآن درباره خلقت انسان این‌گونه است که انسان را قوم و خویش میمون و سایر حیوانات نمی‌داند و والاس و ون‌فیرخو را هم‌عقیده خویش می‌پندارد. او در رد تکامل انسان ورود علمی پیدا می‌کند و از شواهد و ادله زیست‌شناسان مطلع است و آن‌ها را بیان می‌کند. درباره انتخاب طبیعی می‌گوید خداوند در این‌جا دخالت می‌کند که تحت عنوان «التحسین الالهی» یا «خلقت‌گرایی ضعیف» از آن نام برده می‌شود. او تأکید می‌کند که نظریه تکامل با وجود خالق و خلقت منافاتی ندارد. در برخی از ابعاد و اجزای نظریه داروین مثل تنازع بقا، انتخاب جنسی، و ... نقدها و تکمله‌هایی آورده است.

۲.۳ اندیشمندان دوره دوم

خلال مطالعات به اندیشمندی در این دوره که موضعش نسبت به نظریه داروین نه رد و نه تأیید باشد یافت نشد.

۳.۳ دوره معاصر

۱.۳.۳ مرتضی مطهری (۱۹۱۹ م)

مطهری روشی کاملاً متفاوت با سایرین متفکران ایرانی داشته است. او در یک آسیب‌شناسی به این مسئله می‌پردازد که با این‌که اثبات نظریه تکامل هیچ‌گونه منافاتی با جهان‌بینی الهی ندارد، چگونه این تعارض شکل گرفته است و بدان شدت بخشیده شده است. او فلسفه غرب را این‌گونه به نقد می‌کشد که خداشناسی ایشان از طریق منفی است، «می‌خواهند خدا را میان مجهولات خود جست‌وجو کنند نه در میان معلومات خود، هر جا که در توجیه یک حادثه درمانند، پای خدا را وسط می‌کشند».^{۱۳} این درحالی است که در میان حکمای اسلامی (که علل طبیعی را در طول علل ماورائی می‌دانند و کشف علوم از پدیده‌ها را به منزله کشف علل

معهده می‌دانند، نه علل تامه و شناخت علت فاعلی را مکفی از شناخت علت غایی پدیده‌ها نمی‌شمارند و در نهایت تفسیر هستی را وظیفه فلسفه و روش‌های برهانی می‌دانند) با فرض پذیرفتن تئوری تکامل نمی‌توان انکار خدا یا هدف‌داری جهان را نتیجه گرفت.^{۱۴} مطهری با بیان این‌که «در عصر ما از نظر علمی مسئله تکامل امری مسلم شناخته شده است»، نفیاً و اثباتاً نسبت به آن موضعی نگرفته است و برای حل تعارض برخی ظواهر آیات قرآن با نظریه تکامل به امکان سمبلیک بودن آیات در مواردی هم‌چون خلقت آدم اشاره می‌کند.^{۱۵}

۲.۳.۳ نوح حا میم کلر (۱۹۵۴ م) (Nuh Ha Mim Keller)

وی از جمله آن دسته از متفکرانی برشمرده می‌شود که به استثنابودن انسان در فرایند تکامل قائل‌اند. دو دسته کلی نقدهای وی به تکامل انسان را می‌توان به نقدهای علمی و متافیزیکی تقسیم کرد. در بخش نقد علمی کلر در ابتدا بیان می‌دارد که نظریه تکامل نظریه‌ای است که می‌تواند همه‌چیز را توجیه کند و به همین سبب هیچ شرط ابطال‌پذیری در خود ندارد. وی از این‌رو نظریه تکامل را اساساً علمی نمی‌داند:

فصل نهم کتاب داروین ... روشن ساخت که از آنچه داروین با عنوان نقص بزرگ نمونه‌های زمین‌شناسی یاد می‌کند، می‌توان دریافت که این نظریه از دید اصولی ابطال‌پذیر نبوده درحالی‌که برای علمی‌نامیدن یک نظریه (اگر سخن کسانی چو کارل پوپر را قبول کنیم) می‌بایست احتمال وجود شواهدی در راستای رد نظریه وجود داشته باشد.

دومین بعد نقد علمی کلر به تکامل انسان این است که شواهد مبتنی بر تحقق تکامل کلان ناقص هستند:

آیا تکامل خرد در داخل یک گونه (که به‌خوبی مستند به زادوولد اسب‌ها، کبوترها، هیبردهای مفید گیاهان، و غیره است) را می‌توان به تکامل کلان در میان گونه‌های مختلف تسری داد؟ به‌عبارت‌دیگر، آیا یک نمونه واقعی از تکامل یک گونه به گونه‌ای دیگر وجود دارد که حالت‌های میانی آن در نمونه‌های فسیلی موجود باشند؟

در نقد متافیزیکی، کلر باور دارد که تکامل به‌واسطه ماهیت مادی‌گرایانه و تصادفی‌اش فراتر از دایره اسلام است و اگر کسی باور داشته باشد که نمونه‌های غیرانسانی به‌واسطه انتخاب طبیعی و تصادف به‌شکل کلان متکامل می‌شوند، این امر مستلزم کفر است. هم‌زمان

جریان‌شناسی تاریخی دیدگاه اندیشمندان ... (محمد کاظم شاه‌آبادی و دیگران) ۹۱

وی می‌گوید نفس باورداشتن به تکامل کلان در مورد گونه‌های غیرانسانی بذاته مستلزم کفر نیست.

همه چیز نشان می‌دهد که طبق قرآن انسان‌ها به شکل ذاتی، به واسطه منشأ آسمانی‌شان در بهشت، به دلیل ماهیت به شکل خاص خلق شده‌اند و به خاطر روحی که دارند، در جایگاهی کاملاً متمایز از نظر خداوندی در مقایسه با دیگر موجود زمینی قرار داشته‌اند، فارغ از این‌که بدن‌هایشان قرابت فیزیولوژیکی خاصی به این مسئله داشته باشد یا نه و انتخاب ویژه سازنده‌شان برای خلق بوده‌اند.

به طور خلاصه، کفر باور دارد که غیرانسان‌ها می‌توانند از طریق فرایند تکامل خلق شده باشند، اما انسان به شکل خاص از این فرایند مستثناست.^{۱۶}

۳.۳.۳ محمد تقی مصباح یزدی (۱۹۳۵ م)

مصباح نیز از شاگردان طباطبایی بوده است و هم‌چون وی نظریه تکامل را اثبات شده نمی‌داند و معتقد است نظریه ثابت انواع هنوز ابطال نشده است. مصباح می‌گوید نص قرآن بر خلقت مستقل انسان دلالت دارد او با بیان ضروری نبودن و استثناپذیر بودن قوانین طبیعی، در صورت اثبات قطعی نظریه تکامل، خلقت انسان را استثنا می‌کند و به این طریق، تعارض میان نظریه تکامل و قرآن را برطرف می‌سازد. مصباح علت رواج سریع نظریه تکامل و مقبولیت آن را فقدان مایه علمی افراد دانسته است و انگیزه پژوهش‌گرانی چون سبحانی را روح مذهبی و علم‌زدگی اعلام می‌دارد.^{۱۷}

۴.۳.۳ ناصر مکارم شیرازی (۱۹۲۷ م) و جعفر سبحانی (۱۹۲۹ م)

ناصر مکارم شیرازی و جعفر سبحانی، از شاگردان محمدحسین طباطبایی و از علمای دینی صاحب شهرت و تألیفات فراوان، هرچند تکامل را قابل قبول ندانسته و حتی آن را فرضیه می‌نامند، به ابطال قاطع نظریه تکامل نیز قائل نیستند. ایشان معتقدند که نظریه تکامل با ظاهر آیات قرآن تعارض دارد. هم‌چنین روش‌های علوم طبیعی را مبتنی بر قرائن ظنی و تجربیات دانسته که قطعیت ندارند. مکارم با روش نقل از برخی دانشمندان علوم طبیعی به ابطال نظریه تکامل می‌پردازد و در نهایت هم‌چون سبحانی معتقد است اگر تکامل داروین به قطعیت برسد، توجیه و تفسیر آیات قرآن و سازگار کردن آن با علم امکان‌پذیر است.^{۱۸} در نهایت تعارضی بین دین و علم قائل نیستند.

۵.۳.۳ یاسر قاضی و نذیر خان (۲۰۱۸) (Yasir Qadhi and Nazir Khan)

این دو نیز مانند کلا به استثنابودن انسان در فرایند تکامل باور دارند، باین حال باور دارند که امکان دارد میان اسلام و تکامل بشری نسبتی برقرار شود. نکته کلیدی دیدگاه این دو به نسبت دیدگاه‌های فلسفی در برابر رئالیسم علمی بازمی‌گردد که مبحثی در فلسفه علم شناخته می‌شود و بیان می‌کند تا کجا و چه قدر می‌توان به معادلات و نظریات علمی باور داشت. از نظر آن‌ها مشاهدات علمی را می‌توان به دو دسته مستقیم و غیرمستقیم تقسیم کرد. گزاره‌هایی که مبتنی بر مشاهدات مستقیم باشند، از نظر تجربی کافی و معادل حقیقت هستند، اما مشاهدات غیرمستقیم برای این که از نظر تجربی کافی برشمرده شوند، به امور دیگری از جمله تفسیرها و استنباط‌ها وابسته‌اند. برای همین مشاهدات غیرمستقیم ارزش معرفتی کم‌تری دارند و نمی‌توان آن‌ها را مانند مشاهدات مستقیم در نظر گرفت. برای همین قاضی و خان اظهار می‌کنند: «حقیقت نامید اموری که منشی غیرمشاهده‌ای دارند شدیداً محدود است» (Qadhi and Khan 2018: 15).

مبتنی بر این دیدگاه آن‌ها اظهار می‌داند که علم قادر نیست در مورد وجود یا عدم وجود کسی چون آدم سخن بگوید؛ چراکه امکان پسرفت در تاریخ و مشاهده عینی وجود ندارد. به‌طور خلاصه قاضی و خان روایت سنتی از خلقت آدم و حوا برطبق قرآن را می‌پذیرند و حاضر نیستند مداخله علوم طبیعی را در این حوزه تحمل کنند. به همین دلیل، درحالی که به نظریه استثنابودن خلقت انسان از فرایند تکامل قائل‌اند، این استثنا را به‌گونه‌ای تفسیر می‌کنند که در تقابل با نظریه تکامل نباشد.^{۱۹}

۶.۳.۳ دیوید سلْمون جَلَّجِل (۲۰۰۹) (David Solomon Jalajel)

تنها کسی که تاکنون مدعی شده است که در نظریه تکامل تنها استثنا آدم است دیوید سلْمون جَلَّجِل است. به‌شکل کلی جَلَّجِل معتقد است که مبتنی بر نظریه اسلام سنی، که شامل اشعری، ماتریدی، و الاثریه است، نیازی به ردکردن نظریه تکامل نیست و فقط در این میان یک سؤال باقی می‌ماند و آن نیز خلقت آدم است. نظریه تمامی مسلمین بر این است که آدم بدون پدر و مادر براساس یک معجزه خلق شده است و حال این سؤال باقی می‌ماند که چه‌طور می‌توان خلقت وی را با نظریه تکامل جمع کرد. او در پاسخ به اصل توقف قائل است. مراد وی از توقف موضع‌گیری نکردن کلامی درباب موضوعی است؛ چراکه اسلام درباره آن موضوع ساکت است. در چنین صورتی، تمامی گزینه‌های محتمل می‌تواند با نص دینی اسلامی سازگار باشد. مبتنی بر اصل توقف کلامی است که جَلَّجِل معتقد است که نظریه تکامل در تعارض با

اسلام نیست. کسانی که به استثنابودن انسان در فرایند تکامل قائل بودند، آدم را نخستین انسان روی زمین می‌دانستند، اما جلال‌جل معتقد است که در هنگام هبوط انسان، قرآن در باب این که آیا انسان‌هایی قبل از وی بر روی زمین بودند یا خیر ساکت است. در چنین شرایطی است که باید اصل توقف را اعمال کرد؛ یعنی هر دو احتمال ممکن است: این که قبل از آدم انسان‌هایی بر زمین زندگی می‌کردند یا نه.^{۲۰}

۷.۳.۳ علی مشکینی (۱۹۲۱ م)

نوع مواجهه مشکینی به نظریه تکامل با رویکرد همتایان خود متفاوت است. او در ابتدا این نکته را یادآوری می‌کند که تکامل هسته و پوسته‌ای دارد و آنچه برای ما مهم است هسته آن است که در محافل علمی امری مسلم به حساب می‌آید. وی به اثبات یا رد تکامل نپرداخته است. از منظر دینی نیز به این نکته تأکید دارد که قرآن هیچ‌کدام از نظریه ثبات یا تکامل را تأیید نمی‌کند، بلکه آیات قرآن به چند دسته تقسیم می‌شوند که برداشت ما از دسته‌های مختلف می‌تواند به نفع یا به ضرر نظریه ثبات یا تکامل باشد، حتی برخی از آیات در دسته‌ای قرار دارند که در ظاهر هیچ برداشتی به نفع هیچ‌کدام از دو نظریه نمی‌توان داشت. در هر حال، اگر به هر کدام از نظریات معتقد شویم تعارضی با آیات قرآن نخواهد داشت.^{۲۱}

۸.۳.۳ عبدالله جوادی آملی (۱۹۳۳ م)

وی معتقد است نظریه تکامل را نباید با نظریه حرکت جوهری اشتباه گرفت؛^{۲۲} چراکه آنچه با حرکت جوهری ثابت می‌شود تکامل انواع است، نه تحول انواع. وی هم‌چنین بر این باور است که فرضیات علمی تنها زمانی قابل استنادند که صبغه تحقیق علمی گرفته باشند و تکیه‌گاه پژوهش‌گران فنی قرار گیرند. وی تصریح می‌کند آنچه از تفکر داروینی و مانند آن برمی‌آید تنها یک فرضیه ثابت‌نشده است و بر فرض ثابت‌شدن چنین فرضیه‌ای هیچ‌گونه منافاتی با توحید و جهان‌بینی الهی ندارد. درباره ظاهر آیات قرآن می‌گوید که این آیات دلالت بر آفرینش انسان از عناصر زمینی دارد و چون بر پایه فرهنگ محاوره مردم است، حجیت دارند و جریان تحول انواع (نظریه داروین) در صورتی که اثبات گردد، می‌توان بر اساس آن به عنوان دلیل لبی منفصل دست به توجیه برخی از ظواهر ظنی ادله نقلی زد. جوادی آملی البته در جایی دیگر می‌گوید نظریه تکامل هرگز عهده‌دار اثبات کیفیت پیدایش آدم نیست، تا مایه تصرف در ظاهر

متون دینی شود؛ زیرا انسان‌های فراوانی قبل از آدم به دنیا آمده و منقرض شده‌اند، ولی آدم از نسل هیچ‌کدام از آنان نبوده است. دلیلش هم این است که ادله تجربی لسان اثباتی دارند، نه لسان نفی؛ به این معنا که فقط می‌گویند برخی انسان‌ها این‌گونه به وجود آمده و تکامل یافته‌اند، اما نمی‌گویند که تنها راه تحقق بشر همین است. لذا باید کیفیت پیدایش آدم را، که نسل کنونی بشر فرزندان او هستند، از بررسی پیدایش انسان اولی جدا کرد. علاوه بر این، ارزش دانش تجربی را از ارزش دانش فلسفی یا کلامی که توان دید وسیع دوجانبه نفی و اثبات را دارد بایستی تفکیک کرد. جوادی آملی عوامل مختلفی هم‌چون خلط مسائل ریاضی و تجربی، اشتباه حصر عقلی با حصر ناقص استقرایی، اختلاط امتناع عادی با استحاله عقلی، و مرعوب شدن روانی در برابر پیشرفت دانش تجربی را موجب جمودی و رکود درباره تحول انواع بیان می‌کند.

۹.۳.۳ محمدهادی معرفت (۱۹۳۱ م)

وی در ذیل بحث اعجاز قرآن از جنبه علمی می‌گوید قرآن کتاب هدایت به نور است و اگر در زمینه‌های دیگر مثل مباحث علمی سخنی گفته است در سایه مباحث هدایتی است و کتاب علمی نیست. در این بحث به این نکته اشاره می‌کند که اصل حیات از آب است و براساس علوم تجربی متقن به اعجاز قرآن می‌رسد. در حاشیه این بحث به نظریه تکامل داروین می‌رسد و می‌گوید ما با علوم تجربی نفیاً و اثباتاً کاری نداریم و اگر علوم قطعیت نداشت، قرآن را به آن گره نمی‌زنیم؛ از جمله بحث داروین که قطعیت ندارد و کلیات نظریه را از اسماعیل مظهر نقل قول می‌کند. جالب این‌جاست که ایشان قانون جاذبه عمومی را قطعی می‌دانند، گویی برای معرفت جایگاه نظریه تکامل داروین مثل نظریه جاذبه عمومی نیوتن است.^{۳۳}

۴. اندیشمندانی که نظریه تکامل داروین را کاملاً تأیید کرده‌اند

۱.۴ دوره نخست

۱.۱.۴ حسین الجسر (۱۸۴۵ م)

جسر از علمای شیعه ترابلس در قرن نوزدهم بوده است. مهم‌ترین کتاب وی *الرسالة الحمیدیه فی حقیقه الدیانه الاسلامیه و حقیقه الشریعه المحمدیه* است. وی نظریه داروین را خوب شناخته و با قبول آن برای جمع بین اسلام و علم تلاش کرده است. او معتقد است که اگر علم قطعی بود، آیات را باید تأویل برد و اگر قطعی نبود سکوت کرد. کتاب وی که با روشی فلسفی دینی

جریان‌شناسی تاریخی دیدگاه اندیشمندان ... (محمد کاظم شاه‌آبادی و دیگران) ۹۵

و در قالب گفت‌وگویی میان مادی‌گرا و مسلمان نوشته شده است، می‌گوید دلیلی در قرآن یافت نمی‌شود که تمام گونه‌ها، که به فیض الهی موجودند، یک‌باره یا تدریجی خلق شده باشند.

۲.۱.۴ محمد اقبال (۱۸۷۷ م)

محمد اقبال لاهوری فیلسوف و شاعر شهیر شبه‌قاره است که وی نیز به دسته چهارم و حامیان بدون استثنای نظریه تکامل تعلق دارد. وی نیز با تبعیت از روش استعاره‌ای مدعی است که آدم یک شخصیت تاریخی واقعی نبوده و بلکه نمادی برای بشریت است:

در افسانه آدم قرآن بعضاً نمادهای باستانی را حفظ می‌کند و افسانه به‌شکلی تغییر یافته تا معنایی کاملاً جدید در آن دمیده شود. رویه قرآنی تغییر جزئی یا کامل افسانه‌ای و دمیدن ایده‌ها و فکرهای جدید در آن نکته مهمی است که همواره از سوی دانشجویان و فراگیران مسلمان و غیرمسلمان اسلام مورد غفلت واقع شده است. هدف قرآن از مواجهه با این افسانه‌های به‌ندرت تاریخی بوده و تقریباً غرض همواره ارائه نگاهی جهانی اخلاقی و یا فلسفی بوده است. (Iqbal 2012: 65).

۳.۱.۴ مصطفی حسنین المنصوری (۱۸۹۰ م)

منصوری پژوهش‌گری مصری است که دو سال بعد از شیخ محمدرضا اصفهانی کتاب تاریخ سوسیالیسم را نوشت و در بخشی از آن به تکامل پرداخت. وی دارای گرایش سوسیالیستی بود و شناخت مناسبی از نظریه تکامل داشت و ضمن تأیید تکامل از داروین تجلیل می‌کرد؛ چراکه نقش داروین را در پیشرفت و ایجاد نقطه عطف امور بشری مؤثر می‌دانست. از انتخاب طبیعی و نظریه داروین برای رشد جامعه مصر استفاده می‌کرد. وی به عدم تعارض تکامل و دین قائل بود و معتقد بود تکامل گونه‌های زنده از منشأ مشترک خدا را نفی نمی‌کند و «چیزی را نمی‌توان در علوم طبیعی یافت که با دین متعارض باشد، بلکه هرچه هست مؤید دین است».^{۲۴} او انتخاب طبیعی و نظریه داروین را در چهارچوب اندیشه سوسیالیستی می‌فهمید و از آن برای رشد جامعه مصر استفاده می‌کرد.

۴.۱.۴ حسن حسین (۱۹۲۴ م)

حسین پژوهش‌گری مصری است که در سال ۱۹۲۴ کتاب ارزنت هکل در موضوع تکامل را با عنوان فصل المقال فی فلسفه النشوء والارتقاء به عربی ترجمه کرد. وی با برخی نظریات هکل

موافقت کرد، ولی بخش ضد دین و خدا را رد کرد. وی به دو هدف کتاب خداناباورانه هکل را ترجمه کرد: یکی این که دنیای عرب را با آخرین دیدگاه‌ها درباره تکامل آشنا کند و دیگری نیاز شدید اعراب به آشنایی با اصول علمی مدرن برای پیشرفت مادی بود. او اسلام را دین تعقل می‌داند، لذا بر این باور است که اگر تعارضی بین شریعت و عقل به وجود بیاید، این عقل است که مقدم می‌شود. در فهم او از نظریه داروین اشکالاتی وجود دارد. از نظر او نظریه داروین در این سه اصل خلاصه می‌شود: خلقت خودبه‌خودی، تنازع بقا، و انتخاب طبیعی، لذا برخی بی‌مبالاتی و بی‌دقتی در بیان او وجود دارد. وی که از کتاب نجفی اصفهانی استفاده بسیار کرده به آیات مراجعه کرده است و آن‌ها را با نظریه تکامل مخالف نمی‌بیند. برخلاف اسدآبادی و اصفهانی به انگیزه دفاع از دین قلم نزده است، بلکه به منظور روشن ساختن اندیشه‌های علمی دست به ترجمه زده است.

۲.۴ دوره دوم

۱.۲.۴ یدالله سحابی (۱۹۰۶ م)

سحابی متفکر ایرانی است که در میانه قرن بیستم به نظریه تکامل پرداخته است. وی با تکیه بر علوم جنین‌شناسی، زیست‌شناسی، و زمین‌شناسی از نظریه دفاع می‌کند. سحابی که از پیش گامان زمین‌شناسی در ایران بود، نظریه تکامل را به منزله اصل مسلم قبول کرده و از سوی دیگر به آیات قرآن که با بحث مرتبط است می‌پردازد و نشان می‌دهد که با تکامل تعارضی ندارند. با انتشار کتاب *خلقت انسان*، دیگر اندیشمندان ایرانی به نقد آن پرداختند، از این رو کتاب سحابی جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده است.

۲.۲.۴ اسرار احمد (۱۹۳۲ م) (Israr Ahmad)

اسرار احمد مفسر فقید اهل کشور پاکستان است که وی نیز در پذیرفتن بدون استثنای نظریه تکامل دیدگاه تمایز میان بشر و انسان را دنبال کرده است. از نظر وی واژه بشر را می‌توان به هر گونه بیولوژیکی وابسته به هومو اطلاق کرد که شامل هموسپین‌ها نیز می‌شود، درحالی که انسان به هموسپین‌هایی خطاب می‌شود که روح در آن‌ها دمیده شده است:

واژه بشر که در آیات (۷۱: ۳۸ و ۲۸: ۱۵) استفاده شده است به هومو باز می‌گردد که از طبقه موجودات نخستین به شمار می‌آیند که طبق نظریه تکامل انسان‌های مدرن (هوموسپین‌ها)

استمرار امروزی آنان هستند. گفته می‌شود که طبقه هومو برای دو میلیون سال زیسته است تا انسان مدرن نخستین در دوره فوق پارینه‌سنگی ظاهر شده است. به این ترتیب، بشر را می‌توان هومونید (یا هومونوئید) دانست که دسته نخستین از موجوداتی است که شامل انسان (تنها به خاطر بدن زنده فیزیکی که پیش از دمیده شدن روح در آن وجود داشته)، اجداد فسیلی ایشان و موجودات دوبا می‌شود (Ahmad 2013: 46).

وی این‌گونه ادامه می‌دهد:

قرائن بسیار قوی‌ای در قرآن وجود دارند که آدم از میان بشر برگزیده شده بود و وی زمانی آدم شد که خدا از روح خویش در او دمید؛ حقیقتی ازلی که تکامل‌گرایان خداناباور چشمان خویش را بر روی آن می‌بندند.^{۲۵}

۳.۴ دوران معاصر

۱.۳.۴ کنر تاسلمان (۱۹۶۸ م) (Caner Taslaman)

فیلسوف ترکیه‌ای تاسلمان ابعادی تازه از آنچه تحت عنوان لادری‌گری کلامی از آن یاد می‌شود ارائه می‌کند، چیزی شبیه به آنچه جلاجل تحت عنوان توقف از آن یاد کرد. با این تفاوت که جلاجل این توقف را به مرحله پیش از آدم ارجاع می‌دهد و تاسلمان این لادری‌گری را به خود آدم نیز نسبت می‌دهد. وی باور دارد که طبق نص دینی اسلام تکامل را حتی در نسبت با خود آدم نه می‌توان تأیید کرد و نه رد. برای این مدعا وی سه نکته را مطرح می‌سازد. نخست آن‌که وی احادیث مخالف با تکامل را به دلیل ضعیف‌بودن این احادیث و انتسابشان به اسرائیلیات باطل می‌شمارد. وی تأکید می‌کند که اصول عقاید باید مبتنی بر احادیث قوی یا متواتر باشند، حال آن‌که ماجرای خلقت در احادیث ضعیف و آحاد بیان شده است. به همین دلیل است که از نظر وی تنها محتوای قرآنی می‌بایستی برای یافتن نسبت نظریه تکامل با اسلام مدنظر قرار گیرد. نکته دوم این است که آیات قرآنی مربوط به تکامل قابل تفسیر هستند. برای مثال تاسلمان، با اشاره به تشابه آدم و عیسی که در قرآن بدان اشاره شده است، بیان می‌دارد که این تشابه خلقت اعجاز‌گونه آدم را نفی می‌کند؛ برای این‌که عیسی از مادر و به شکل زایمان طبیعی به دنیا آمد و پس می‌بایستی آدم هم از مادری به دنیا آمده باشد. در مرحله سوم وی دیدگاه لادری‌گرانه به معجزه را بیان می‌دارد. وی اظهار می‌کند که قرآن در مورد ماهیت معجزه ساکت است و مؤمنان هم از انگیزه‌های الهی مطلع نیستند. مجموعه این موارد باعث می‌شود که وی موضعی لادری‌گرانه در قبال معجزه اتخاذ کند:

باورمندان به دین می‌توانند متفق‌القول باشند که مداخلات الهی می‌تواند با و بدون خلل در قوانین طبیعی رخ بدهد. هر موضعی از این دو را که اتخاذ کنیم، موضع دیگر می‌تواند محتمل باقی بماند. یک مسلمان نمی‌تواند مدعی شود که خداوند قادر نیست گونه‌هایی را با خرق قوانین طبیعی خلق کند کمالین که نمی‌تواند ادعا کند که خداوند قادر نیست گونه‌هایی را بدون خرق قوانین طبیعی خلق کند. هر دو گزینه محتمل هستند و از آن‌جاکه ما نسبت به انگیزه‌های الهی نقص معرفتی داریم، می‌بایستی در مورد این که کدام یک واقعی است موضعی نگیریم.^{۲۶}

۲.۳.۴ عبدالکریم سروش (۱۹۴۵ م)

سروش در سلسله‌گفتارهایی در بروکسل که به نقد کتاب *توهم خدا*، نوشته ریچارد داوکینز، پرداخته است با اذعان به این که تکامل یک نظریه‌ای است که میان جامعه دانشمندان مورد احترام و اعتبار است و دیگران نفیاً و اثباتاً نمی‌توانند نظری درباره آن داشته باشند، این نظریه را صراحتاً معتبر دانسته و آن را به‌عنوان یک نظریه علمی تأییدشده باور دارد و می‌گوید اگر وضعی در این نظریه است، نباید با خداشناسی آن را رفع کرد؛ چراکه این کار ما را به اعتقاد به «خدای رخنه‌ها» یا «خدای خلأها» سوق می‌دهد. مشکل این کار آن‌جاست که اگر پس از مدتی به‌وسیله علم آن خلأ پوشانده شد، خدای ما از کار برکنار می‌شود که در طول تاریخ دعوای علم و دین این امر تکرار شده است و عقب‌نشینی دین در مقابل علم براساس جهل علمی بوده است. بنابراین، باید ضعف یک تئوری علمی را با تئوری علمی دیگر پوشاند. سروش البته تأکید می‌کند که پذیرش نظریه تکامل هیچ منافاتی با خداشناسی و دین‌داری ندارد. مسائل ثبات منظومه شمسی و خدای نیوتن که هنوز مشکلش حل نشده است.

او با اشاره به کتاب ویلیام پالی به‌نام *خداشناسی طبیعت‌گرایانه* بیان می‌دارد که این‌گونه خداشناسی در مقابل خداشناسی مبتنی بر کتاب *مقدس* است. خداشناسی مبتنی بر دانش‌های طبیعی همان چیزی است که از قدیم در الهیات اسلامی به آن برهان نظم یا اتقان صنع گفته می‌شود. این کتاب کمی قبل از کتاب تئوری انواع داروین منتشر شد که در آن به اثبات برهان نظم می‌پرداخت. با انتشار نظریه داروین این کتاب به محاق رفت و دعوای بین کلیسا در اثبات وجود خدا به‌وسیله برهان نظم با داروین و طرف‌دارانش رونق گرفت. داروین درباره خدا نظریه قاطعی را بیان نکرده و خود او در این زمینه مردد بوده است و حداکثر یک شکاک بوده و مطلقاً هم مهم نیست صاحب یک نظریه عقیده‌اش چه چیز است. داروین یک طرف‌دار بسیار

جریان‌شناسی تاریخی دیدگاه اندیشمندان ... (محمدکاظم شاه‌آبادی و دیگران) ۹۹

متعصب به نام تامس هاکسلی داشت و این فکر او معروف است که می‌گوید پنجال طبیعت به خون مردم آغشته است و نظر به خوب و بد نداشته است. او به دنبال داروین‌سوم اجتماعی بوده است که ضعیف‌کشی کار طبیعت بوده است و در جامعه هم هیچ اشکالی ندارد. داروین‌سوم اجتماعی پشتوانه فاشیسم قرار گرفت. هاکسلی در پاسخ به کسی که با او به مناظره نشسته بود گفت، مهم نیست پدر یا مادر من میمون بوده باشد. مهم این است که کسی در مقابل من نشسته است که حقیقت را انکار می‌کند.

۳.۳.۴ داوود عبدالفتاح باتچیلر (۲۰۱۷ م) (Daud Abdul-Fattah Batchelor)

عبدالفتاح، که اندیشمندی مالزیایی است، در استمرار تلاش برای تفسیرهای تکاملی از قرآن تفسیری متمایز را از آیه ذیل ارائه می‌کند:

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا (النساء: ۱).

وی اظهار می‌دارد که اشاره به نفس واحده در این آیه ممکن است اشاره به دوقلوهای تک‌تخمکی داشته باشد و شاید این تخم بارور به واسطه جهش‌های ژنتیکی خاص به دوقلوهای مؤنث و مذکری تبدیل شده باشد که همان آدم و حوا هستند.^{۲۷}

۵. نتیجه‌گیری

با نگاهی به سیر تطور آرای اندیشمندان مسلمان در قبال نظریه داروین، طی بیش از ۱۶۰ سال گذشته، اولین استنباطی که می‌توان کرد، این است که هر سه موضع یادشده در قبال نظریه تکاملی داروین و تقریباً در همه دوره‌های زمانی قائلانی داشته است و کماکان دارد. به بیان دیگر، هم‌چنان نقاش و بحث علمی درباره این نظریه ساری و جاری بوده است و این‌گونه نیست که نظریه داروین دیدگاهی باشد که در زمان گذشته مطرح شده و مناقشات مکفی در قبال آن صورت گرفته باشد و اکنون دیگر جایی برای بحث و نظر نداشته باشد. از دیگر سو، نگاهی به حیات این نظریه در حوزه‌های مختلف بینادانشی نیز روشن می‌سازد که ریشه بسیاری از اندیشه‌های جدید در حوزه‌های علوم انسانی مانند جامعه‌شناسی، فلسفه سیاست، انسان‌شناسی، و ... در ارتباط با این نظریه زیست‌شناسی قرار دارند و به همین جهت، هم‌زمان با توسعه دانش

در دیگر حوزه‌ها ارجاع به این نظریه زیست‌شناسی و بازنگری در آن باعث شده است نه تنها بحث و جدل علمی درباره این نظریه کاهش نیابد، بلکه حتی به تعبیری فزونی نیز گرفته است. علاوه بر این، سیر تطور اندیشه در فضای علمی نشان می‌دهد که برداشت اشتباه از تقریر دقیق نظریه داروین و فهم این تئوری رفع شده و در دوران معاصر کم‌تر اندیشمندی در تقریر اصل نظریه دچار خطاهایی شده است که اندیشمندان نسل نخستین دچارش بودند.

با در نظر گرفتن شاخص فراوانی، بیش‌ترین فراوانی از آن اندیشمندانی است که در دوران معاصر قرار داشته و موضعی نسبی و بینابینی در قبال نظریه داروین اتخاذ کرده‌اند (جدول ۱). از این رو، به نظر می‌رسد نظریه در روند تاریخی خود در جهت برتری این دیدگاه میانه‌ای سوق پیدا کرده است که آن اتخاذ موضعی نه کاملاً سلبی و نه کاملاً ایجابی در قبال نظریه تکامل است. این موضع نسبی و بینابینی به مرور زمان دقیق‌تر شده و نظریات مختلفی برای جمع میان اندیشه‌های اسلامی و نیز نظریه داروین ارائه شده است. لذا می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که سیر تطور زمانی به نفع آرای آن دسته از اندیشمندانی است که قائل به نه تأیید کامل و نه رد کامل نظریه تکامل هستند و تلاش دارند در این بین سازگاری میان مبانی اندیشه اسلامی و نظریه داروین ارائه کنند. اندیشمندان مسلمان از رویکردی کاملاً مدافعه‌گرایانه (به دین) در مقابل نظریه داروین به نگرشی علمی‌تر تغییر موضع داده‌اند و تلاش کرده‌اند تا با ارائه دیدگاه‌هایی چون استثنابودن انسان یا استثنابودن حضرت آدم و یا حتی دیدگاه‌های تفسیری جدید این تعارض ظاهری را رفع کنند.

به نظر می‌رسد دلیل این تفوق اندیشه‌ای جایگاهی است که نظریه داروین در فضای علمی جهان طی ۱۶۰ سال گذشته کسب کرده است و پیشرفت هر روزه علم نه تنها از اعتبار علمی این نظریه نکاسته که بر آن افزوده است.

ضروری است به این نکته توجه شود که همان‌گونه که پیشرفت‌های علمی مؤید نظریه داروین بوده‌اند، از دیگر سو، جریان تحول علمی گونه‌گون در دو قرن اخیر همیشه فرصت طرح نظریات بنیادینی که بتواند نظریه تکامل را نیز دگرگون سازد باز گذاشته است و به همین دلیل، دیدگاهی که هم‌سویی کامل با نظریه تکامل داشته باشد نیز طرفداران چندانی در دوران معاصر برای خویش نیافته است. به طور مثال، وقتی نظریات کامل تجربی و عینی مانند قوانین نیوتن طی قرن بیستم با به میان آمدن نظریات فیزیک کوانتم به چالش کشیده شدند، طرح نظریاتی که دیدگاه داروین را به چالش بکشد بسیار محتمل به نظر می‌رسد.

جریان‌شناسی تاریخی دیدگاه اندیشمندان ... (محمد کاظم شاه‌آبادی و دیگران) ۱۰۱

جدول ۱. فهرست اندیشمندان مسلمان به تفکیک دیدگاه در قبال نظریه داروین و دوره زمانی

| نام اندیشمند | دوره زمانی | موضع در قبال نظریه داروین | |
|---------------------------------|------------|---------------------------|------------------|
| جمال‌الدین اسدآبادی | نخست | رد کامل | |
| بلاغی | | | |
| محمدعلی سنقری | | | |
| محمد سعید رمضان البوتی | دوم | | |
| محمد شهاب‌الدین ندوی | | | |
| سیدحسین نصر و عثمان بکر | معاصر | | |
| مظفر اقبال | | | |
| ابوالمجد محمدرضا نجفی اصفهانی | نخست | | نه رد و نه تأیید |
| - | دوم | | |
| مرتضی مطهری | معاصر | | |
| نوح حامیم کلر | | | |
| محمدتقی مصباح یزدی | | | |
| ناصر مکارم شیرازی و جعفر سبحانی | | | |
| یاسر قاضی و نذیر خان | | | |
| دیوید سلمون جلاجل | | | |
| علی مشکینی | | | |
| محمدهادی معرفت | | | |
| عبدالله جوادی آملی | | | |
| محمدعلی رضایی اصفهانی | | | |
| حسین الجسر | نخست | تأیید کامل | |
| محمد اقبال | | | |
| مصطفی حسین المنصوری | | | |
| حسن حسین | دوم | | |
| یدالله سجایی | | | |
| اسرار احمد | معاصر | | |
| کنز تاسلمان | | | |
| عبدالکریم سروش | | | |
| داوود عبدالفتاح | | | |

پی‌نوشت‌ها

۱. در دهه سوم از قرن بیستم توسعه علم ژنتیک در کنار یافته‌های باستان‌شناسانه و فسیلی و نیز یافته‌های بشری درباب عمر زمین مبتنی بر اکتشاف رادیواکتیویته زمینه‌های علمی پذیرش نظریه داروین را تقویت کرد (بنگرید به شعیب احمد ملک، *اسلام و تکامل*، ۴۵).
۲. اسدآبادی، جمال‌الدین (بی‌تا)، *نیچریه یا مادی‌گری*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، ۱۳ و ۱۴.
۳. زیادات ۱۳۹۶: ۱۶۵.
4. Al-Būṭī, Muḥammad Sa'īd Ramaḍān (2017), *The Greatest Universal Sureties: The Creator's Existence and The Creature's Function*, Nicholas Walter Mogiliansky Lock (trans.), Damascus: Dār al-Fikr.
5. Nadvi, Muhammad Shahabuddin (1998), *Evolution or Creation?*, Maqbool Ahmed Siraj (trans.), Bangalore: Furqania Academy Trust.
6. Bakar, Osman (1984), "The Nature and Extent of Criticism of Evolutionary Theory", Osman Bakar (ed.), *Critique of Evolutionary Theory: A Collection of Essays*, Kuala Lumpur: The Islamic Academy of Science and Nurin Enterprise, 123-152.
7. Nasr, Seyyed Hossein (2006), "On the Question of Biological Origins", *Islam and Science*, vol. 4, no. 2, 181-197.
8. Iqbal, Muzaffar (2003), "Biological Origins: Traditional and Contemporary Perspectives", *Islamic Herald*, Accessed 1st of October 2019, Available at: http://www.saif_w.tripod.com/curious/evolution/muz/biological_origins.htm.
۹. *المیزان*، ج ۱۶، ۲۶۹.
۱۰. همان: ۲۷۰.
11. Gardner, Vika, E. Carolina Mayes, and Salman Hameed (2018), "Preaching Science and Islam: Dr. Zakir Naik and Discourses of Science and Islam in Internet Videos", *Die Welt Des Islams*, vol. 58, 57-391.
12. Mabud, Shaikh Abdul (1992), *Theory of Evolution: Assessment from the Islamic Point of View*. Cambridge: Islamic Academy.
۱۳. مطهری ۱۳۸۴: ۴۶.
۱۴. قراملکی ۱۳۷۳: ۱۴۳.
۱۵. مطهری ۱۳۷۴: ج ۱، ۵۱۴، ۵۱۵.
16. Keller, Nuh Ha Mim (2011), *Sea Without Shore: A Manual of the Sufi Path*, Amman: Sunna Books.

جریان‌شناسی تاریخی دیدگاه اندیشمندان ... (محمد کاظم شاه‌آبادی و دیگران) ۱۰۳

۱۷. مصباح یزدی ۱۳۲۷: درس ۳۳؛ مصباح یزدی بی تا: ۹، ۲۵.

۱۸. مکارم شیرازی بی تا: ۲۷۱؛ سبحانی ۱۳۸۶: ۲۰.

19. Qadhi, Yasir and Nazir Khan (2018), "Human Origins: Theological Conclusions and Empirical Limitations", *Yaqeen Institute*, Accessed 19th of August 2020, Available at: <<https://www.yaqeeninstitute.org/nazir-khan/human-origins-theologicalconclusions-and-empirical-limitations/>>.

20. Jalajel, David Solomon (2009), *Islam and Biological Evolution: Exploring Classical Sources and Methodologies*, Western Cape: University of the Western Cape.

۲۱. مشکینی ۱۳۶۳: ۱۵-۱۷.

۲۲. جوادی آملی ۱۴۰۱: ج ۳ و ۱۴.

۲۳. معرفت ۱۳۸۶: ج ۶، ۳۲.

۲۴. المنصوری ۱۹۱۵: ۸۳.

25. Ahmad, Israr (2013), *The Process of Creation: A Qur'ānic Perspective*, Absar Ahmad (trans.), Lahore: Shirkat Printing Press.

26. Taslaman, Caner (2020), *Can a Muslim Be an Evolutionist?*, Istanbul: Istanbul Yayınevi.

27. Batchelor, Daud Abdul-Fattah (2017), "Adam and Eve's Origin: A Theory Harmonising Scientific Evidence With the Qur'ānic Text", *Theology and Science*, vol. 15, no. 4, 490-508.

کتاب‌نامه

قرآن کریم.

اسدآبادی، جمال‌الدین (بی تا)، *نیچریه یا مادی‌گری، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین*.

اسلامی، سیدحسین (۱۳۸۶)، *اندیشه‌نامه علامه بلاغی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی*.

اسلامی، سیدحسین (۱۳۹۵)، *مطهری و فلسفه دین، به کوشش رضا اکبری، تهران: بنیاد علمی و فرهنگی علامه مرتضی مطهری*.

تاریخ علم (۱۳۹۷)، دوره ۱۶.

سبحانی، جعفر (۱۳۸۶)، *داروین‌یسم یا تکامل انواع، قم: مؤسسه امام صادق (ع)*.

جوادی آملی، عبدالله (۱۴۰۱)، *تسنیم، قم: اسراء*.

خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۸۱)، *کلام جدید، قم: مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی حوزه علمیه*.

۱۰۴ پژوهش‌های علم و دین، سال ۱۴، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۲

- رضایی، محمدعلی (۱۳۸۱)، پژوهشی در اعجاز قرآن، قم: کتاب مبین.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۹۷۳ م)، تفسیر المیزان، لبنان: مؤسسه‌ی الأعلمی للمطبوعات.
- زیادات، عادل (۱۳۹۶)، مواجهه با داروین، ترجمه‌ی امیرمحمد گمینی، تهران: کرگدن.
- فرامرزی قراملکی، احد (۱۳۷۳)، موضع علم و دین در خلقت انسان، تهران: مؤسسه‌ی فرهنگی آرایه.
- مشکینی، علی (۱۳۶۳)، تکامل در قرآن، تهران: فرهنگ اسلامی.
- مصباح یزدی، محمدتقی (بی‌تا)، خلقت انسان در قرآن، قم: شفق.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۲۷)، معارف قرآنی، قم: در راه حق.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۴)، مجموعه آثار، تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۴)، مقالات فلسفی، تهران: صدرا.
- معرفت، محمدهادی (۱۳۸۶)، التمهید، قم: مؤسسه‌ی فرهنگی انتشاراتی التمهید.
- مکارم شیرازی، ناصر (بی‌تا)، فیلسوف نماها، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- المنصوری، مصطفی حسنین (۱۹۱۵)، تاریخ المذاهب الاشتراکیه، M. H. Al Mansuri

- Ahmad, Israr (2013), *The Process of Creation: A Qur'anic Perspective*, Absar Ahmad (trans.), Lahore: Shirkat Printing Press.
- Al-Būṭī, Muḥammad Sa'īd Ramaḍān (2017), *The Greatest Universal Sureties: The Creator's Existence and The Creature's Function*, Nicholas Walter Mogiliansky Lock (trans.), Damascus: Dār al-Fikr.
- Bakar, Osman (1984), "The Nature and Extent of Criticism of Evolutionary Theory", Osman Bakar (ed.), *Critique of Evolutionary Theory: A Collection of Essays*, Kuala Lumpur: The Islamic Academy of Science and Nurin Enterprise.
- Iqbal, Muzaffar (2003), "Biological Origins: Traditional and Contemporary Perspectives", *Islamic Herald*, Accessed 1st of October 2019. Available at: <http://www.saif_w.tripod.com/curious/evolution/muz/biological_origins.htm>.
- Jalajel, David Solomon (2009), *Islam and Biological Evolution: Exploring Classical Sources and Methodologies*, Western Cape: University of the Western Cape.
- Malik, Shoaib (2021), "Islam and Evolution, Al-Ghazali and the Modern Evolutionary Paradigm", *Muslims Opinion On Evolution*, 119, 121, Also watch: <<https://www.youtube.com/watch?v=anOJpVL3EkQ>>.
- Nadvi, Muhammad Shahabuddin (1998), *Evolution or Creation?*, Maqbool Ahmed Siraj (trans.), Bangalore: Furqania Academy Trust.
- Nasr, Seyyed Hossein (2006), "On the Question of Biological Origins", *Islam and Science*, vol. 4, no. 2, 181–197.
- Qadhi, Yasir and Nazir Khan (2018), "Human Origins: Theological Conclusions and Empirical Limitations", Yaqeen Institute, Accessed 19th of August 2020.
- Taslaman, Caner (2020), *Can a Muslim Be an Evolutionist?*, Istanbul: Istanbul Yayinevi.